

**The Impact of the US Political Economy Approach on Guiding International Lending to Turkey's Regional Policy (Case Study of the AKP's Reign)**

Abstract

Since the end of World War II and the advent of the Bretton Woods system, lending, credit flows, and foreign investment have become major tools in promoting or weakening economies. US hegemony uses the mechanism of guiding international loans to determine the position of countries in the world system. Turkey has achieved high economic growth in the last two decades since the beginning of the rule of the AKP by using international loans and credits, and to maintain foreign investment as the main engine of economic growth; It has reconsidered its regional policy. Therefore, the purpose of the research; Investigating the Impact of Foreign Investment, International Loans and Credits on Turkish Regional Policy Guided by the US Federal Reserve. The main research question is as follows; How has the flow of lending for economic growth in Turkey, which initially sought a zero-problem policy with its neighbors, changed Turkey's foreign policy? This research is of explanatory-case type and in terms of development goal that uses statistical data from main sources in a logical way. Research findings show that; The main variable in Turkey's economic growth during the rule of the AKP was international loans under the guidance of the Federal Reserve, and finally, by taking Turkey's economic growth hostage by threatening to cut the loan chain, the AKP was forced to join US Middle East policy has done.

Keywords: Turkey, United States, International Loans, Federal Reserve, AKP

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،  
 سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۲۸۰۲-۲۸۲۲  
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.303844.2277>

تأثیرگذاری رویکرد اقتصاد سیاسی آمریکا در هدایت وام‌های بین‌المللی، بر سیاست منطقه‌ای ترکیه (مطالعه موردی دوره  
 حاکمیت حزب عدالت و توسعه)

سید محمد طباطبایی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

عطا بهرامی<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

وام، جریان اعتبارات و سرمایه‌گذاری خارجی از پایان جنگ جهانی دوم و ظهور سیستم برتن وودز تاکنون به ابزار اصلی در ارتقا یا تضعیف اقتصادی کشورها تبدیل شده است. هژمونی آمریکا از سازوکار هدایت وام‌های بین‌المللی برای تعیین جایگاه کشورها در نظام جهانی استفاده می‌کند. ترکیه از آغاز حاکمیت حزب عدالت و توسعه با بهره‌گیری از وام و اعتبارات بین‌المللی به رشد اقتصادی بالایی در دو دهه اخیر دست یافته و برای حفظ سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی؛ در سیاست منطقه‌ای خود بازنگری کرده است. بنابراین هدف پژوهش؛ بررسی تأثیر ورود سرمایه خارجی، وام و اعتبارات بین‌المللی بر سیاست منطقه‌ای ترکیه با هدایت فدرال رزرو آمریکا، است. سوال اصلی پژوهش اینگونه طرح می‌شود که؛ جریان وام‌دهی برای ایجاد رشد اقتصادی در ترکیه که در آغاز به دنبال سیاست صفر مشکلات با همسایگان بود، چگونه باعث تغییر سیاست خارجی ترکیه شده است؟ این پژوهش از نوع تبیینی-موردی و از نظر هدف توسعه‌ای است که از داده‌های آماری از منابع اصلی با روش منطقی بهره می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که؛ متغیر اصلی در رشد اقتصادی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، وام‌های بین‌المللی با هدایت فدرال رزرو بوده و در نهایت با به‌گروگان گرفتن رشد اقتصادی ترکیه با ابزار تهدید به قطع زنجیره وام‌ها، حزب عدالت و توسعه را وادار به همراهی با سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده کرده است.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، ایالات متحده، وام‌های بین‌المللی، فدرال رزرو، حزب عدالت و توسعه

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) تهران، ایران<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) تهران، ایران (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

ترکیه<sup>۱</sup> از آغاز انقلاب های عربی؛ موسوم به بهار عربی<sup>۲</sup> تاکنون یکی از بازیگران مهم در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا<sup>۳</sup> بوده است. دخالت گسترده در بحران سوریه، دخالت گسترده در بحران لیبی، همراهی کامل با دولت محمد مرسی رئیس جمهور برکنار شده مصر از طیف اخوان المسلمین توسط ژنرال عبدالفتاح السیسی، و وارد شدن در تقابل و اتحاد با سایر بازیگران منطقه ای مانند ایران، روسیه، سوریه، عراق، آمریکا، کشورهای حاشیه خلیج فارس و قدرت های اروپایی، ویژگی های سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه<sup>۴</sup> با محوریت رجب طیب اردوغان<sup>۵</sup> است. فهم رویکرد ترکیه برای اتخاذ سیاست خارجی همسو با قدرت های غربی با محوریت آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اثر زیادی دارد، زیرا همراهی و یا عدم همراهی ترکیه با سیاستی که تصمیم به تجزیه واحدهای سیاسی خاورمیانه پس از ظهور انقلاب های عربی گرفت بر موقعیت ایران هم اثر خواهد داشت. ترکیه به دلیل دارا بودن گسل های قومی با محوریت کردها با ۲۰ میلیون جمعیت که حزب مسلح پ.ک.ک<sup>۶</sup> را در رو در رو دارد، باید از سیاست حفظ مرزهای موجود دفاع می کرد، اما در عمل حامی سیاست تجزیه واحدهای سیاسی کنونی شد. عدم درک چرایی استمرار<sup>۷</sup> و تغییر<sup>۸</sup> در سیاست منطقه ای ترکیه در خاورمیانه باعث می شود تا سیاست خارجی ایران نتواند برای مقابله و ایجاد تغییر در رفتار ترکیه از ابزارهای مناسب استفاده کند و دچار خطای راهبردی شود. لذا مساله اصلی این پژوهش فهم متغیر اصلی اثرگذار بر سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه است. به ویژه اینکه در دهه های اخیر رشد اقتصادی بالای ترکیه با تداوم دسترسی به سرمایه گذاری خارجی و بازارهای غربی، امکان پذیر شده است. بر این اساس ضرورت دارد تا این مساله مورد کنکاش قرار گیرد که چه نسبتی میان حفظ رشد اقتصادی بالای ترکیه با همراهی این کشور در سیاست خاورمیانه ای آمریکا طی مقطع بهار عربی که منجر به کنار گذاشتن سیاست «تنش صفر با همسایگان» شد، وجود دارد.

چه اینکه به نظر می رسد ترکیه از آغاز دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه با بهره گیری از جریان وام و اعتبارات بین المللی به رشد اقتصادی بالایی در دو دهه اخیر دست یافته و به نظر می رسد برای حفظ سرمایه گذاری خارجی به عنوان موتور اصلی

<sup>۱</sup>Turkey

<sup>۲</sup>Arab Spring

<sup>۳</sup>Middle East and North Africa(MENA)

<sup>۴</sup>Justice and Development Party

<sup>۵</sup>Recep Tayyip Erdoğan

<sup>۶</sup>Kurdistan Workers' Party(حزب کارگران کردستان)

<sup>۷</sup>continuity

<sup>۸</sup>Change

رشد اقتصادی؛ در سیاست منطقه ای خود نیز تغییراتی به وجود آورده است. بر این اساس هدف این پژوهش؛ بررسی تاثیرات ورود سرمایه خارجی، وام و اعتبارات بین المللی به ترکیه با هدایت فدرال رزرو ایالات متحده، بر سیاست منطقه ای این کشور می باشد. همچنین سوال اصلی پژوهش اینگونه طرح می گردد که؛ جریان وام دهی برای ایجاد رشد اقتصادی در ترکیه که در آغاز به دنبال سیاست صفر مشکلات با همسایگان بود، چگونه باعث تغییر سیاست خارجی ترکیه شده است؟ همچنین سوالات فرعی دیگری نیز طراحی شده است نظیر؛ رویکرد اقتصادی سیاسی آمریکا در هدایت اعتبارات مالی به وسیله نظام بانکداری بین المللی چگونه بوده است؟ سازوکار هدایت اعتبارات مالی به وسیله نظام بانکداری بین المللی برای ایجاد رشد اقتصادی در ترکیه چیست؟ تاثیرات اقتصادی دریافت وام ها و سرمایه گذاری های بین المللی، بر اقتصاد ترکیه چه بوده است؟

جهت پاسخ به پرسش ها در این پژوهش، ابتدا مکانیسم ایجاد رشد اقتصادی در کشورها از زمان تبدیل آمریکا به هژمون با ایجاد نهادهای برتون وودز با توجه به مثال های تاریخی ژاپن، اروپای غربی، کره جنوبی، چین و هند بررسی و نشان داده شده است که رشد اقتصادی کشورهای وابسته به بلوک سرمایه داری از دوران جنگ سرد تاکنون با هدایت بانکداری بین المللی بوده است که فدرال رزرو، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به وسیله نهادهای کوچکتر آنرا عملیاتی کرده اند. سپس به روندهای اقتصادی ترکیه پیش از ورود وام های خارجی پرداخته شده و در نهایت مجبور شدن این کشور به تغییر در سیاست خارجی از سیاست خارجی مستقل به سیاست خارجی پیرو نسبت به سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده، پرداخته شده است که ترکیه را در خدمت سیاست خارجی خاورمیانه ای آمریکا درآورد که به دنبال تغییر مرزهای سیاسی منطقه است.

این پژوهش از نوع تبیینی-موردی و از نظر هدف توسعه ای است که از داده های آماری از منابع اصلی با روش منطقی بهره می گیرد. چه اینکه با روش مثبت و با استفاده از آمارهای رسمی نهادهای معتبر اقتصادی؛ روند هدایت اعتبارات بین المللی و سرمایه گذاری خارجی به سوی ترکیه بررسی و با توجه به متغیر رابطه مستقیم سرمایه گذاری خارجی و رشد اقتصادی ترکیه، سیاست خارجی اعمالی این کشور در خاورمیانه از سال ۲۰۰۰ تاکنون تحلیل شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که؛ متغیر اصلی در رشد اقتصادی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، وام های بین المللی با هدایتگری فدرال رزرو آمریکا بوده و در نهایت با به گروگان گرفتن رشد اقتصادی ترکیه با ابزار تهدید به قطع زنجیره وام ها و اعتبارات بین المللی، حزب عدالت و توسعه را وادار به همراهی با سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده کرده است.

## رژیم وام‌های بین‌المللی

اقتصاد سیاسی بین‌المللی از زمان جنگ جهانی دوم بر پایه مرکزیت ایالات متحده به عنوان هژمون و نظام دلار - محور<sup>۹</sup> پایه‌گذاری شده است. در این نظام اقتصادی بین‌المللی، فدرال رزرو جریان پول مرجع بین‌المللی؛ دلار؛ را تعیین کرده و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با هدایت خزانه داری آمریکا شیوه اجرایی کردن آنرا مشخص می‌کنند. خزانه داری آمریکا به عنوان نهاد مسلط بر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی؛ فشار سیاسی لازم را برای تسهیل پذیرش نسخه‌های فنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول فراهم می‌کند.

دلار به عنوان پول مرجع بین‌المللی قابلیت تبدیل شدن به کالاها و خدمات را دارد و به کشور(های) دارنده فرصت می‌دهد تا در اقتصاد بین‌الملل ایفای نقش کنند. ایالات متحده با خلق دلارهای تازه و صرف کردن آن برای خرید کالاها و خدمات، امکان ایجاد رشد اقتصادی برای کشورها و تبدیل کردن آنها به صادرکننده را فراهم می‌کند. گام ابتدایی برای تولید محصول و فروش آن در بازار آمریکا، امکان تولید پیدا کردن است که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۱۰</sup> نیاز دارد تا دانش و سرمایه کافی را به کشورهای میزبان منتقل کند. صندوق بین‌المللی پول<sup>۱۱</sup> و بانک جهانی<sup>۱۲</sup> با سیاستگذاری و هدایت مستقیم وام‌های خود و منابع مالی بین‌المللی امکان سرمایه‌گذاری خارجی را در کشورهای هدف فراهم می‌کنند. موسسات رتبه‌بندی اعتباری هم یکی از ملاک‌های اصلی خود در نمره اعتباری دادن به کشورها را روابط با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تعریف کرده‌اند. بنابراین رتبه بالای اعتباری دادن در هدایت اعتبارات خصوصی هم ایفای نقش کرده و زمینه رشد اقتصادی کشورهای هدف که به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول<sup>۱۳</sup> گزینش شده‌اند فراهم می‌شود.

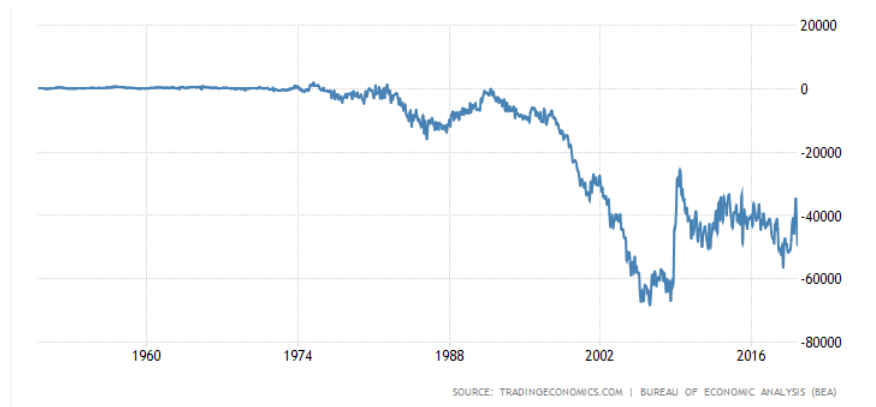
بازار آمریکا از سال ۱۹۴۵ تاکنون ابزار رشد اقتصادی کشورهای همسو بوده است. پول کافی برای خرید کالاهای صادراتی کشورهای همسو را فدرال رزرو تامین کرده و دلار-محور بودن نظم اقتصادی بین‌المللی تداوم کسری تجاری آمریکا را برای دهه‌های متمادی امکانپذیر کرده است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که پس از پایان نظام پایه طلا<sup>۱۴</sup> در سال ۱۹۷۱ توسط

<sup>۹</sup>Dollar-centric  
<sup>۱۰</sup>Foreign direct investment  
<sup>۱۱</sup>International Monetary Fund  
<sup>۱۲</sup>World Bank  
<sup>۱۳</sup>Gold standard

ایالات متحده معروف به شوک نیکسون<sup>۴</sup> این کشور توانسته است بدون نگرانی از تورم بالا، دلار چاپ کرده و کالاها و خدمات وارد نماید.

نمودار ۱ روند کسری ممتد در تراز تجاری<sup>۵</sup> آمریکا را از زمان فروپاشی نظام برتون وودز تاکنون نشان می دهد که به ۷۰۰ میلیارد دلار هم رسیده است.

نمودار ۱ (اثریدینگ اکونومی، ۲۰۲۰)



عدالت و توسعه

روش تقویت اقتصادی متحدان ایالات متحده با بخشیدن بازار داخلی از محل چاپ دلار؛ ابتدا در مورد اروپای غربی و ژاپن پیاده شد. برای این منظور، طرح مارشال<sup>۶</sup> برای اعطای وامی ۱۲ میلیارد دلاری به اروپای غربی طراحی شد که معادل امروزی این رقم ۱۳۸ میلیارد دلار است. (اینفلیشن کالکیولیتور، ۲۰۲۰) فلسفه وجودی طرح مارشال؛ ترس از گسترش کمونیسم جهانی<sup>۹</sup>

<sup>۴</sup>Nixon shock

<sup>۵</sup>Balance of trade

<sup>۶</sup>united-states/balance-of-trade, tradingeconomics, Available at: <https://tradingeconomics.com/united-states/balance-of-trade>, 6/24/20

<sup>۷</sup>Marshall Plan

<sup>۸</sup>Inflation Calculator, Available at: [www.usinflationcalculator.com](http://www.usinflationcalculator.com), 6/23/20

<sup>۹</sup>World communism

در دوران رکود و فقر فراگیر در اروپا پس از پایان جنگ جهانی دوم نبود. نیروی انسانی متخصص کافی در اروپای غربی وجود داشت و تنها مشکل، تامین سرمایه و تاحدی بازار فروش برای محصولات تولیدی بود. بازار اروپا در صورت تامین سرمایه و احیا؛ در درجه اول، و بازار ایالات متحده در درجه دوم، این مشکل را حل می کرد. طرح مارشال خیزش اقتصادی اروپا را رقم زد و تولید ناخالص داخلی این کشورها بین ۱۵ تا ۲۵ درصد رشد کرد. این طرح ژاپن و اروپای غربی را مورد حمایت قرار داد و موتور بازسازی پس از جنگ بود.

ژاپن دومین الگو از ایجاد رشد اقتصادی با استفاده از مکانیسم وام های بین المللی است. ۲,۲ میلیارد دلار که به ارزش سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵ میلیارد دلار ارزش دارد در قالب وام و کمک به این کشور پرداخت شد. فلسفه وجودی کمک به ژاپن هم مانند اروپای غربی، جلوگیری از گسترش کمونیسم جهانی در شرق آسیا بود. اتکای ژاپن به بازار آمریکا بیش از اروپای غربی بود و ایالات متحده به مهمترین بازار برای کالاهای ژاپنی تبدیل شد. صادرات ژاپن به آمریکا از ۱,۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۰ به ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ رسید که به ارزش روز از صادرات ۵۱۰ میلیارد دلاری چین به آمریکا در سال ۲۰۱۹ بیشتر، و معادل ۷۵۰ میلیارد دلار است.

سومین الگوی آمریکا برای برکشیدن یک اقتصاد معمولی و تبدیل کردن آن به قدرتی جهانی، چین بود. هدف راهبردی آمریکا از ایجاد رابطه اقتصادی گسترده با چین؛ جدا کردن این کشور از دایره قدرت اتحاد شوروی<sup>۱</sup> بود. سفر ریچارد نیکسون<sup>۲</sup> به چین<sup>۳</sup> پس از مدتها مذاکرات مخفیانه باعث ورود چین کمونیست به نظام بازار آزاد شد. صادرات چین به آمریکا از تقریبا صفر در دهه هفتاد به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. سرمایه گذاری خارجی در چین از ۴۰ میلیارد دلار در ابتدای دهه ۱۹۹۰ از ۱۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ بیشتر شد. آمریکا و اعمار آن مانند ژاپن<sup>۴</sup>، هنگ کنگ<sup>۵</sup>، جزایر ویرجین<sup>۶</sup>، کره جنوبی<sup>۷</sup> و سنگاپور<sup>۸</sup> بزرگترین سرمایه گذاران در چین بوده اند.

<sup>۱</sup>WW2

<sup>۲</sup>Soviet Union

<sup>۳</sup>Richard Nixon

<sup>۴</sup>China

<sup>۵</sup>Japan

<sup>۶</sup>Hong Kong

<sup>۷</sup>U.S. Virgin Islands

<sup>۸</sup>South Korea

<sup>۹</sup>Singapore

کره جنوبی دیگر کشوری است که با فناوری و سرمایه آمریکایی برای مقابله با کمونیسم و در راستای سیاست سد نفوذشاهد رشد اقتصادی بود. جنگ دو کره و پیوستن کره شمالی<sup>۳</sup> به اردوگاه کمونیسم باعث شد ایالات متحده کره جنوبی را به عنوان یک الگوی موفقتر در برابر کره شمالی کمونیست تقویت کند. صادرات کره جنوبی به آمریکا از چند ده میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۴۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. ایالات متحده شریک نخست تجاری کره جنوبی است. خودروسازی کره جنوبی با کمک فناوری شرکت های آمریکایی مانند فورد جهانی شد.

هند<sup>۴</sup> نمونه دیگری از رشد اقتصادی با استفاده از فناوری و سرمایه آمریکایی است. هدف آمریکا از کمک به اقتصاد هند از سال ۲۰۰۰ تاکنون مقابله با قدرت روزافزون چین بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی آهند از سال ۲۰۰۰ تاکنون به طور متوسط ۷ درصد بوده و در این سالها هرگز رشد اقتصادی منفی نداشته است.

موازنه سازی در مقابل تهدید ظهور قدرت های منطقه ای از زمان پایان جنگ دوم جهانی تاکنون به طور مکرر در دستورکار ایالات متحده قرار گرفته است. کشور ترکیه یکی از این نمونه ها است که از دوره آغاز حاکمیت حزب عدالت و توسعه با کمک وام و اعتبارات آمریکایی رشد اقتصادی بالا و ادامه داری را تجربه کرده و این دستاورد به قیمت ۴۵۰ میلیارد دلار بدهی خارجی به دست آمده است.

### اقتصاد ترکیه پیش از وام های بین المللی

تا پیش از سال ۲۰۰۱ اقتصاد ترکیه با نوسان های زیاد و عدم امکان تداوم رشد اقتصادی مواجه بود. از آغاز ظهور ترکیه نوین تا سال ۲۰۰۰ میلادی، اقتصاد این کشور رشدی کند و کم رمق داشته و بازیگر مهمی در اقتصاد منطقه نبوده است. اقتصاد ترکیه تا پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی و اجرای اصلاحات کمال درویش، مانند اقتصادهای رقیب در خاورمیانه؛ ایران، و در اروپا؛ یونان، نکته برجسته ای ندارد و از رشدی کند بهره مند بوده است.

<sup>۳</sup>Containment

<sup>۴</sup>North Korea

<sup>۵</sup>India

<sup>۶</sup>Gross domestic product



از سال ۱۹۶۰ که اقتصاد ترکیه ۱۴ میلیارد دلار حجم تولید ناخالص داخلی داشت تا سال ۲۰۰۱ که به ۲۰۰,۳ میلیارد دلار رسید، رشد اقتصادی این کشور آرام و پرنوسان بود. اما از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۹ رشد اقتصادی بالا و پایداری با میانگین ۵,۶ درصد داشته است.

زیربنای رشد اقتصادی ترکیه به جریان سرمایه‌گذاری خارجی با هدایت فدرال رزرو باز می‌گردد. ایالات متحده جریان وام‌ها و اعتبارات بین‌المللی را به سمت ترکیه سرازیر کرد و بازار داخلی خود و متحدانش را بر روی کالاهای ساخته شده در ترکیه گشود تا رشد اقتصادی بالا و طولانی مدت برای این کشور تضمین شود.

برای تحقق این هدف موسسات معتبر اعتباری بین‌المللی گزارش‌های مثبت از اقتصاد ترکیه ارسال کرده و زمینه‌ها را برای هدایت اعتبارات بین‌المللی فراهم کردند. معمار بودن کمال درویش اقتصاددان بانک جهانی در اصلاحات اقتصادی ترکیه توجیه کارشناسی مناسبی برای انتشار گزارش‌های مثبت از اقتصاد ترکیه بود زیرا شرکت‌های غربی به جهت‌گیری‌های پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود توجه می‌کنند.

موسسه معتبر و تعیین‌کننده مودیز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ رتبه اعتباری ترکیه را ۱۴ بار مثبت یا باثبات و تنها ۵ بار منفی ارزیابی کرده است. (کانتری اکونومی، ۲۰۱۹)<sup>۳۳</sup> تمام موارد منفی اعلام شده پس از سال ۲۰۱۵ و تشدید گروکشی آمریکا با ترکیه بر سر مسائل منطقه خاورمیانه و به‌گروگان‌گرفته شدن تداوم رشد اقتصادی این کشور با ابزار وام و اعتبارات بین‌المللی بوده است.

براساس گزارش آنکتاد برای سال ۲۰۱۹، سهم اصلی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه؛ جمهوری آذربایجان با ۳۰,۳ درصد، انگلستان با ۲۶,۹ درصد، آلمان با ۱۰,۸ درصد، آمریکا با ۷ درصد، اسپانیا با ۴ درصد و بلژیک با ۲,۷ درصد بوده‌اند که دومین کشور پس از رژیم اسرائیل در منطقه غرب آسیا از نظر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. تجارت در عمده‌فروشی و خرده‌فروشی با ۲۶,۷ درصد، انرژی با ۲۴,۲ درصد، بیمه و تامین مالی با ۱۴,۱ درصد، حمل و نقل و انبارداری با ۸,۳ درصد، صنعت شیمی با ۳,۷ درصد بیشترین سرمایه‌پذیری را در ترکیه داشته‌اند. (سانتاندر ترید، ۲۰۲۰)<sup>۳۴</sup>

<sup>۳۳</sup>Countryeconomy, Rating: Turkey Credit Rating, Available At: <https://countryeconomy.com/ratings/turkey>, 5/31/20

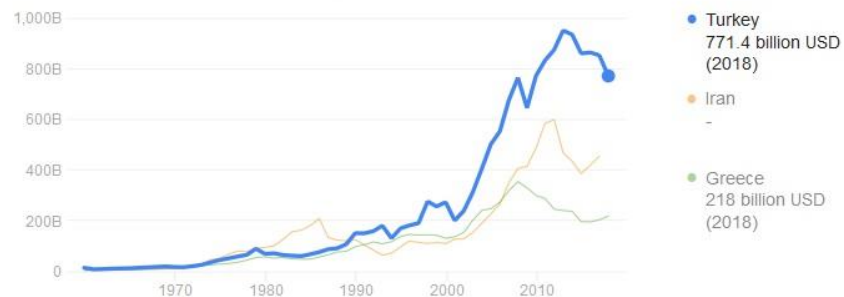
<sup>۳۴</sup>Turkey Foreign Investment, Available At: <https://santandertrade.com/en/portal/establish-overseas/turkey/foreign-investment>, 5/30/20

کشورهای متحد آمریکا بیش از ۸۳ درصد از سرمایه گذاری خارجی انجام شده در ترکیه را تقبل کرده اند که این کار از دو مسیر مذاکرات راهبردی بین کشورها و هدایت سرمایه های مردمی خصوصی با ریلگذاری و دادن رتبه اعتباری بالا توسط موسسات اعتبارسنجی معتبر مانند مودیز<sup>۲۵</sup> به ترکیه به دست آمده و رشد اقتصادی بالایی را ایجاد کرده است.

نمودار شماره یک جهش در تولید ناخالص داخلی ترکیه (GDP)<sup>۲۶</sup> را پس از آغاز اصلاحات اقتصادی کمال درویش از سال ۲۰۰۰ میلادی و شروع به کار حاکمیت حزب عدالت و توسعه<sup>۲۷</sup> تاکنون نشان می دهد که از اوت ۲۰۰۱ به قدرت رسید.

نمودار ۱ (وُردل بانک، ۲۰۱۸)

### 771.4 billion USD (2018)



چنانچه نمودار ۱ (بانک جهانی، ۲۰۱۹) نشان می دهد اقتصاد ترکیه در برابر دو رقیب اصلی منطقه ای خود یعنی ایران و یونان بهتر عمل کرده و با حفظ رشد اقتصادی بالا فاصله اقتصادی خود را بیشتر کرده و آمادگی لازم را برای ایفای نقش در تحولات منطقه خاورمیانه پیدا کرده است. از زمان آغاز اصلاحات اقتصادی، تنها در سال ۲۰۰۹ رشد اقتصادی ترکیه منفی؛ و ۴,۷ درصد کوچکتر شد. ترکیه در دوران رجب طیب اردوغان اقتصاد شکوفایی داشته و در سیاست خارجی؛ سیاست هایی متضاد شامل،

<sup>۲۵</sup>Moody's Corporation

<sup>۲۶</sup>Gross domestic product

<sup>۲۷</sup>Justice and Development Party (Adalet ve Kalkınma Partisi – AKP)

<sup>۲۸</sup>World Bank, Available at: <https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=turkey+gdp>, 6/20/20

تعامل با همسایگان تا دخالت وسیع در جنگ‌های نیابتی خاورمیانه و لیبی را در کارنامه خود دارد. تامین هزینه‌های این مداخله‌گری‌ها بدون زیربنای اقتصادی محکم غیرممکن است.

رویکرد ترکیه در اوان آغاز حاکمیت حزب عدالت و توسعه به تحولات خاورمیانه همکاری جویانه و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای بود. ترکیه از ایجاد منطقه شامگن حمایت کرد و طرفدار توسعه آن براساس همکاری ۹ کشور ایران، ترکیه، سوریه، عراق، یمن، لبنان، لیبی، مراکش و تونس بود و شرکت ترکیه در منطقه ویزیای شامگن در راستای سیاست "صفر مشکلات" با کشورهای همسایه ارزیابی می‌شد.

با تغییر سیاست ترکیه در قبال انقلاب‌های بهار عربی و تصمیم به مداخله به سود فعالان بهار عربی، دورانی طولانی از تنش با کشورهای سوریه، عراق و ایران آغاز و به نقش تعامل جویانه این کشور در خاورمیانه پایان داده شد.

سیاست صفر مشکلات به انتخاب سخت ترکیه بین پیروی از سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در قبال بهار عربی و ادامه سرمایه‌گذاری خارجی آمریکایی، و یا بازگشت رشد اقتصادی به دوران کند قبلی و سیاست تعامل جویانه در منطقه برخورد کرد و رجب طیب اردوغان ادامه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و وام‌های آمریکایی را بر حفظ سیاست صفر مشکلات ترجیح داد و وارد رقابت‌های شدید امنیتی و نظامی با محور ایران، روسیه، سوریه و حزب الله لبنان شد.

اقتصاد ترکیه تاحدی به بازارهای منطقه وابسته بوده و حجم تجارت آن با کشورهای عربی و جمهوری اسلامی ایران سهم قابل توجهی در سبد صادراتی این کشور دارد. در سال ۲۰۱۹ صادرات ترکیه ۱۷۱,۱ میلیارد دلار بود که ۲۵,۹ درصد از آن راهی بازارهای آسیایی شده است. بیش از ۱۰ درصد از صادرات ترکیه به کشورهای ایران، عراق، روسیه و امارات بوده است که با اضافه شدن عربستان سعودی، قطر، مصر و عمان؛ این رقم به بیش از ۱۵ درصد صادرات ترکیه می‌رسد. (وُردل تاپ اکسپورتس، ۲۰۱۹) نتیجه اینکه اگرچه سهم همسایگان در سبد صادراتی ترکیه کم نیست، اما شرکای غربی ترکیه خریداران اصلی کالاهای ترکیه‌ای هستند و عامل وابستگی بیشتر به بازارهای غربی باعث ادغام اقتصادی این کشور با بلوک غرب شده است. به همین دلیل توان اتخاذ سیاست خارجی مستقل از کشورهای غربی در خاورمیانه و شمال آفریقا ندارد.

<sup>۳</sup>Turkey's Top 10 Exports, World's Top Exports, Available At: <http://www.worldstopexports.com/turkeys-top-10-exports/>, 11 May 2020

سرمایه لازم برای بازسازی و ایجاد توان تولیدات صنعتی ترکیه توسط فدرال رزرو و بانک های آمریکایی تامین شده است و شرکای آمریکایی با سرمایه گذاری مستقیم خارجی دانش صنعتی و مدیریتی را هم به این کشور منتقل کرده اند. ۵۶ درصد از صادرات ترکیه به کشورهایی اروپایی است و ۵,۶ درصد هم راهی بازار آمریکا شده است. یعنی اروپا و آمریکا ۶۱,۶ درصد از کالاهای ساخت ترکیه را خریداری کرده اند. در صورتی که این بازار از اقتصاد ترکیه دریغ شود، امکان جایگزینی آن با بازارهای موازی؛ مانند بازار کشورهای خاورمیانه؛ وجود ندارد. در واقع، سرمایه و اعتبارات مالی، فناوری لازم برای تولید و بازار فروش برای محصولات تولید شده در ترکیه را اروپا و آمریکا تامین کرده اند.

ایالات متحده با امضای توافقنامه ترجیحی با ترکیه زمینه صادرات محصولات ساخت ترکیه به آمریکا را تسهیل کرد. این توافقنامه در سال ۲۰۱۹ به عنوان اهرم فشار علیه ترکیه به کار گرفته شد. دونالد ترامپ توافق تجارت ترجیحی آمریکا با ترکیه را، که به این کشور اجازه می داد دسترسی بدون تعرفه ای به بازارهای ایالات متحده داشته باشد، لغو کرد. این اقدام آمریکا پس از آن انجام شد که ترکیه اقدام به خرید سامانه دفاع موشکی S-400 از روسیه کرد که گسست در سیستم امنیتی یکی از اعضای پیمان سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود (راشاتودی، ۱۳۹۸). قطع دسترسی ترکیه به بازار آمریکا با استفاده از سیستم جامع ترجیحی تجاری بخشی از صادرات ترکیه را از بین برد. در سال ۲۰۱۷، آمریکا ۱,۶۶ میلیارد دلار از کالاهای ترکیه را تحت این برنامه دریافت کرده بود، که حدود ۱۸ درصد از کل واردات آمریکا از این کشور را تشکیل می داد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸)

این حجم از وابستگی به سرمایه و بازار اروپا و آمریکا باعث شده است تا ترکیه در سیاست خارجی با متغیر پرننگ اقتصاد روبرو شده و این متغیر پرننگ را جایگزین اولویت های امنیتی کند که در ابتدای دوران رجب طیب اردوغان و متأثر از نظریات احمد داووداوغلو به دنبال سیاست "صفر مشکلات" با همسایگان بود.

## نقش فدرال رزرو در اقتصاد ترکیه

<sup>۴</sup>North Atlantic Treaty Organization(NATO)

، <https://www.mehrnews.com/news/4619238> خبرگزاری مهر، ترامپ امتیاز تجارت ترجیحی ترکیه را لغو کرد/افت نرخ لیر؛

5/23/20

راهی که ایالات متحده طراحی کرد تا ترکیه را در مدار سیاست خارجی خود نگاه دارد از مسیر فدرال رزرو<sup>۲</sup> و نظام بانکداری بین‌المللی و رژیم سرمایه‌گذاری خارجی<sup>۳</sup> می‌گذشت که کارآمدی خود را در توان تحمیل سیاست‌های متناقض به ترکیه نشان داده است. علیرغم اینکه ترکیه با ۲۰ میلیون اقلیت کرد<sup>۴</sup> (اینستیتیوت کرد، ۲۰۲۰) بیشترین خطر را از جانب تجزیه و تغییر نقشه در خاورمیانه احساس می‌کند، اما از سیاست‌های واشنگتن برای تجزیه واحدهای سیاسی منطقه بر مبنای طرح خاورمیانه بزرگ<sup>۵</sup> حمایت کرد و اهرم تداوم وام و اعتبارات بین‌المللی مانع تغییر سیاست ترکیه به سود منافع ملی بلندمدت این کشور در خاورمیانه شده است.

با وجود تنیده شدن تارهای بانکی بر سیاست خارجی ترکیه، حتی اگر حزب جمهوری خواه خلق که مخالف سیاست‌های خاورمیانه‌ای اردوغان است هم در انتخابات پیروز شود، توان تغییر سیاست فوری را نخواهد داشت، زیرا وام‌های بین‌المللی با شرایط پیچیده پرداخت شده و امکان تسویه سریع آنها برای هیچ کشوری ممکن نیست.

زیرساخت‌های لازم برای گره زدن سیاست خارجی ترکیه با منافع اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی طراحی شد. مدل طراحی شده برای ترکیه بر مبنای وام دهی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۶</sup> آنتوار شده است. در این چارچوب، فناوری، وام و سرمایه خارجی و بازار خرید محصولات ساخته شده را برای ترکیه ایجاد کرده و این کشور را به میزبان یک مدل توسعه صنعتی برونزا تبدیل کرده است.

تدوین دستورکار اقتصادی ترکیه جدید به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول<sup>۷</sup> سپرده شد که از نهادهای برتن وودز هستند و سیاست‌های آنها در خزانه داری آمریکا تدوین می‌شود. خزانه داری آمریکا بانک جهانی<sup>۸</sup> و صندوق بین‌المللی پول را مانند ابواب خود در نظر می‌گیرد و برای آنها شرح کار تدوین می‌کند. (استیگلتز، ۱۳۸۳)

<sup>۲</sup>Federal Reserve System

<sup>۳</sup>International investment regime

<sup>۴</sup>The Kurdish Population, Available At: <https://www.institutkurde.org/en/info/the-kurdish-population-1232551004>, 5/23/20

<sup>۵</sup>The Greater Middle East

<sup>۶</sup>FDI

<sup>۷</sup>IMF

<sup>۸</sup>World Bank

اقتصاد جدید ترکیه را کمال درویش<sup>۴</sup> اقتصاددان ارشد بانک جهانی طراحی کرد که در سال ۲۰۰۱ از سمت خود در بانک جهانی استعفا کرد و وزیر خزانه داری ترکیه شد و در سال ۲۰۰۲ هم سمت خود را تحویل داد و از ترکیه خارج گردید. اصلاحات درویش در اقتصاد ترکیه شامل ۱۹ طرح اقتصادی پایه ای و فوری بود که تصویب و بلافاصله اجرایی شد.

اگرچه گفته می شود که ورشکستگی نظام بانکی در سال ۲۰۰۱ و دولت ائتلافی ضعیف باعث کاهش اصطکاک با برنامه های کمال درویش شده بود، اما نظام سیاسی قدرتمند بانک جهانی تحت مدیریت ایالات متحده باعث شد تا اصلاحات وی تحمیل شده و به دلیل حمایت های تکمیلی در بخشیدن وامهای سریع و کافی، وفور سرمایه گذاری مستقیم خارجی و در نهایت سپردن بازار برای محصولات ترکیه ای؛ به نتیجه برسد.

سیاست انبساطی فدرال رزرو برای خروج از بحران مالی سال ۲۰۰۸ باعث شد تا صدها میلیارد دلار به سمت بازارهای ترکیه سرازیر شود. آمریکایی ها در طی برنامه تسهیل مقداری نرخ بهره بلند مدت را فوق العاده پایین آوردند و حجم بسیاری نقدینگی دلاری به بازار ریختند. به عنوان بخشی لاینفکی از این سیاست و شاید ابزار کنترل تورم احتمالی در حدود دلخواه، این گشایش اعتباری عظیم بعد از ایفای نقش در چرخه مالی آمریکا صرف وام دهی به کشورهای هدف خارج از مرز می شد. یکی از این کشورهای هدف ترکیه بود که به برکت سیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی با بهره پایین شکوفایی شدیدی را در سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ تجربه کرد. (مجید شاکری، ۱۳۹۸)

سیاست مالی ترکیه در برخورد با امکان وام گیری از نهادهای مالی بین المللی، پوشاندن بدهی های قبلی با وام های جدید بود که پس از افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو؛ انجام این سیاست دشوار و باعث صعود کوه آسای بدهی های خارجی ترکیه و رسیدن آن به ۴۶۶ میلیارد دلار شد. (بزینس اینسایدر، ۲۰۱۹)

بنابراین، ترکیه می بایست راهی را که آغاز کرده بود ادامه دهد و با افزودن بر بدهی های جدید، وام های قبل تر را تسویه کند. این اعتیاد به وام و سرمایه گذاری خارجی با دشوار شدن مسیرهای وام گیری با هزینه بالاتری انجام می شود که الزام اقتصادی

<sup>۴</sup>Kamal Darwish

<sup>۵</sup>Edwards, Jim, The crisis in Turkey is being caused by the US Fed, and we are only at the beginning. Available at: <https://www.businessinsider.com/turkey-lira-crisis-caused-by-the-us-fed-2018-8>, 6/15/20

نیست و کشور بدهکار؛ ترکیه؛ ناگزیر از تهاتر امنیت و سیاست خارجی با وام دهندگان خواهد شد. کاهش ارزش لیر باعث شده است تا بازپرداخت وام های قبلی هر روز دشوارتر از قبل شود. (بزینس اینسایدر، ۲۰۱۹)

گام محتوم در این سیاست؛ ورشکستگی اقتصادی؛ و روی آوردن به سیاست انقباضی شدید و تهاتر سیاست و امنیت با بدهی های بانکی است. این راه در گذشته توسط کشورهای زیادی در آمریکای لاتین و اروپا در بحران اخیر مالی و با پرچمداری یونان تجربه شده و اجتناب ناپذیر است و کشورهای خوش شانس می توانند اثرگذاری امنیتی برای تهاتر با انبوه وام های خارجی را در اختیار داشته باشند، در غیر اینصورت باید مانند یونان خاک فروشی کنند.

### الگوی وام دهی

ترکیه وارد الگویی از وام دهی شده است که از دهه ۱۹۷۰ توسط نهادهای برتن وودز؛ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی؛ ایجاد شده بود. صندوق بین المللی پول با سیاست وام دهی به نهادی تبدیل شد که کمک های مالی، فنی و توصیه ای را به اقتصادهای جهان سوم ارائه می کند. صندوق در قبال منابع مالی و وام هایی که خود به صورت مستقیم یا به صورت واسطه موسسه های مالی اعتباری خصوصی اعطا می کند شرایطی را در قالب تعهد به اسناد اعتبارات و وام های خود پیوست می کند. این شروط به شدت محرمانه و غیرقابل انتشار هستند و شامل مواردی است که در آن دولت متقاضی متعهد می شود در قبال دریافت پول، شرایط خاص یا اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشخصی را با جزئیات اجرا کند.

بانک جهانی و نهادهای وابسته به آن وظایف گوناگونی را در زمینه اعطای تسهیلات اعتباری و کمک های فنی بلندمدت برای اجرای طرح ها و پروژه های صنعتی و کشاورزی به کشورهای عضو برعهده می گیرد و به هیچ وجه در حوزه های مالی تسهیلات را برای تعدیل یا رفع کسری تراز پرداخت ها اعطا نمی کند. در عمل بانک جهانی، وام نقدی در اختیار دولت متقاضی قرار نمی دهد بلکه برای پروژه های عمرانی وام می پردازد یا اعتبار پروژه را تضمین می کند. این وام ها برای اجرای پروژه های معین

<sup>3</sup>Jim Edwards, **The crisis in Turkey is being caused by the US Fed, and we are only at the beginning**, businessinsider, Available at: <https://www.businessinsider.com/turkey-lira-crisis-caused-by-the-us-fed-2018-8>, 6/15/20

در کشورهای عضو اغلب به شرکت‌های مجری که به طور عمده از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی یا شرکت‌های چندملیتی اعطا می‌شود که ارتباط نزدیکی با بانک دارند.

در وام‌های اعطایی به پروژه‌های اقتصادی ترکیه به پیچیده تر کردن روابط این کشور با همسایگان با استفاده یکجانبه از امکانات محیطی توجه شده است. پروژه‌های سدسازی ترکیه که یکی از دلایل راه افتادن جنگ آب در خاورمیانه است با وام‌های بین المللی ساخته شده است. سد ایلسیو به تنهایی به اندازه تمام سدهای ایران حجم ذخیره آب دارد و ترکیه را در مقابل سوریه و عراق قرار می‌دهد و تنها یکی از ۲۲ سد ساخته شده در جنوب ترکیه است.

اهداف وام‌های بین المللی از قبل مشخص شده و بدون همگونی با سیاست خارجی ایالات متحده پرداخت نمی‌شود. اگر سیاست وام دهنده ارتقا کشورهای وام گیرنده بود، این سیاست با اعتبارات و سرمایه گذاری مستقیم خارجی تکمیل می‌شد و بازار لازم برای خرید محصولات تولید شده هم پیش بینی می‌گردید. در صورتی که هدف از وام دهی صرفاً مقروض ساختن وام گیرنده بود، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اختیار وام گیرنده قرار نمی‌گرفت و از بخشیدن بازار برای محصولات تولید شده هم خبری نبود.

در راستای کسب این دو هدف، کشورهای که خواستار دریافت وام‌های تعدیل ساختاری<sup>۲</sup> بودند (یا به عبارت صحیح‌تر برای ایجاد توسعه اقتصادی و رهایی از مشکلات چاره‌ای جز این نداشتند)، باید به برنامه‌های تعدیل ساختاری<sup>۳</sup> تن می‌دادند.

شرایط اعطای وام‌های تعدیل اقتصادی به کشورهای در حال توسعه:

- ۱- رفع محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های داخلی نظیر صنعتی، بانکی و سایر نهادهای خدماتی- مالی؛ با این شرط که دیگر هیچگونه حمایتی از بخش‌های داخلی در برابر دخالت خارجی صورت نگیرد.
- ۲- سوق دادن و وابسته کردن اقتصاد به صادرات برای دستیابی به معاملات خارجی و مشارکت در بازار جهانی. این رویکرد مدعی بود هر کشور باید به جای تولید انبوه در همه زمینه‌ها، تولید را بر روی کالاهایی خاص متمرکز کند.
- ۳- کاهش دستمزدها و جلوگیری از افزایش آنها به بهانه ایجاد رقابت در حوزه صادرات.

<sup>۲</sup>Structural Adjustment Loans

<sup>۳</sup>Structural adjustment programs



- ۴- ممانعت از اختصاص بودجه دولت به بخش‌هایی نظیر سلامت، تحصیلات و رفاه. این عامل تورم را کنترل و تضمین می‌کرد که تمام سرمایه کشور در جهت افزایش تولید و صادرات مصرف شود. نهادهای خدمات اجتماعی که با چنین طرحی موافق نبودند خیلی زود از چرخه حذف می‌شدند.
- ۵- کاهش ارزش پول ملی در برابر دلار با هدف رقابتی کردن صادرات. این سیاست هنگام بازپرداخت وام‌ها کشورهای بدهکار را به شدت دچار مشکل می‌کرد.
- ۶- در برخی کشورها اعطای وام با شرط تثبیت ارزش پول با توجه جلوگیری از افزایش تورم اعطا می‌شد که از دست رفتن توان رقابت کالاهای داخلی را به دنبال داشت.
- ۷- خصوصی سازی بخش‌های دولتی با هدف دستیابی بیشتر به سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۸- اجرای برنامه مقررات‌زدایی<sup>۵۴</sup> رها کردن شرکت‌های درگیر در صادرات از کنترل‌های دولتی با هدف تسهیل صادرات. در این شرایط دریافت وام‌های تعدیل ساختاری به منزله مهار بخش عظیمی از حوزه‌های اقتصادی کشورها به دست نهادهای خارجی بود. در عمل دولت‌ها با این کار سکان هدایت کشورها را نه فقط در حوزه اقتصادی، بلکه در حوزه عالی سیاسی<sup>۵۶</sup> به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی واگذار می‌کردند.

### اقتصاد ترکیه پس از وام‌های بین‌المللی

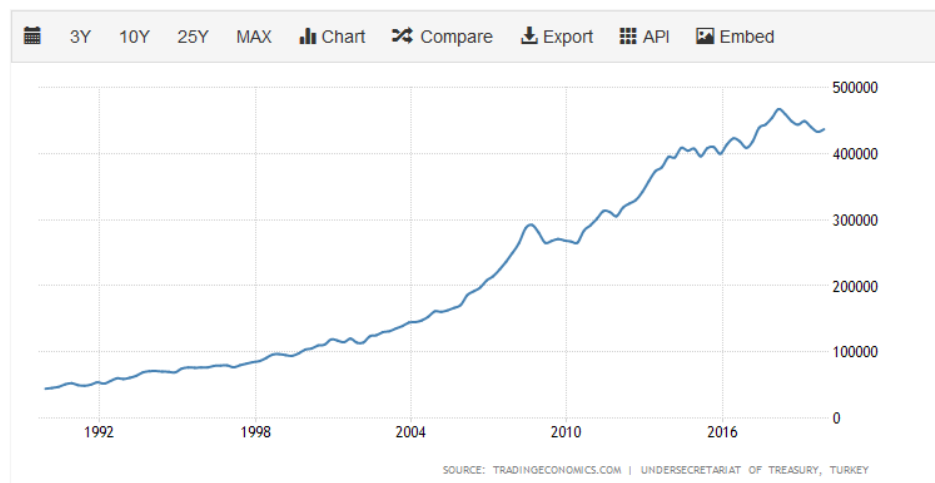
صنعت ترکیه از نظر سرمایه، فناوری و بازار فروش به شدت به اقتصادهای اروپای غربی و آمریکا وابسته است. ترکیه بزرگترین نسبت تولید به صادرات را در بین کشورهای تولید و مونتاژکننده خودرو در جهان دارد و شرکت‌های قطعه ساز و مونتاژکننده ترکیه ای بیش از ۸۰ درصد تولیدات خود را صادر می‌کنند. بزرگترین شرکت‌های خودروسازی آلمان در ترکیه تولیدات قطعه و محصول نهایی دارند و تولیدات خود را به بازارهای هدف صادر می‌کنند. ترکیه در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۰ میلیارد دلار صادرات قطعات خودرویی داشته است.

<sup>۵۴</sup>Privetization  
<sup>۵۵</sup>Deregulation  
<sup>۵۶</sup>High Politics

ترکیه در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار صادرات و ۲۳۴ میلیارد دلار واردات داشته است. یعنی این کشور با استفاده از وام خارجی بیش از توان واقعی خود هزینه می کند. برای بازپرداخت وام های اخذ شده صرفاً نمی توان از محل سود سرمایه گذاری ها استفاده کرد و ترکیه مجبور به استقراض مجدد است که باعث افزودن شدن بر میزان بدهی ها در ۲۰ سال گذشته شده است.

مختل شدن چرخه اعطای وام و سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث برهم خوردن تعادلی می شود که ترکیه در ۲۰ سال گذشته به آن عادت کرده است. به همین دلیل روند افزوده شدن بر بدهی ها پیوسته است و ادامه پیدا می کند. نمودار ۲ روند افزایش بدهی های خارجی ترکیه را در دو دهه اخیر نشان می دهد.

نمودار ۲ (ثریدینگ اکونومیکس، ۲۰۱۹)

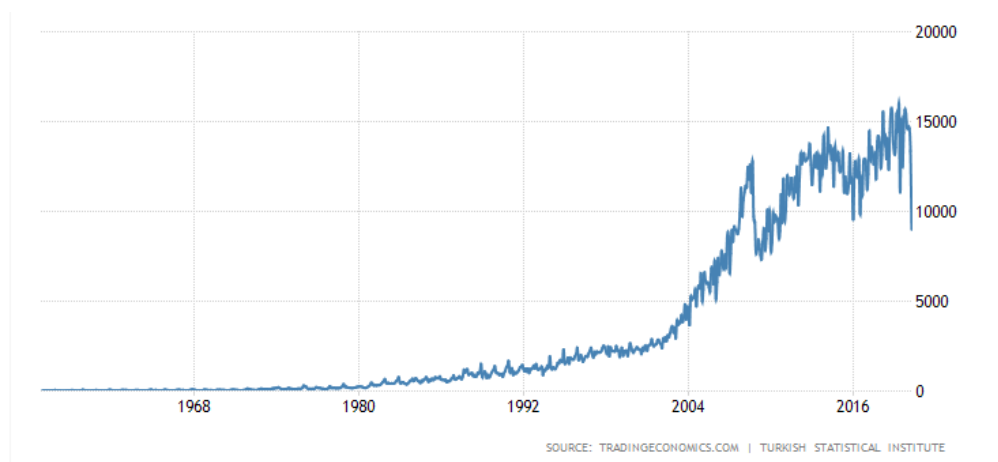


هزینه کردن از محل استقراض باعث رشد و مصرف بالای داخلی در دوره ای محدود می شود، اما مانند بحران یونان و کشورهای جنوب اروپا؛ در نهایت به ورشکستگی اقتصادهای ملی می انجامد و تنها چیزی که می تواند باعث ایجاد فرصت برای کشور بدهکار شود، همکاری ویژه کشورهای طلبکار در حوزه های غیراقتصادی است که با شرایط خاص کلان امکانپذیر می شود.

<sup>۲</sup>Tradingeconomics, Turkey Total Gross External Debt1989-2019 Data, Available At: <https://tradingeconomics.com/turkey/external-debt, 5/27/20>

این بدهی‌های رو به بالا صرف اقتصادی مبتنی بر صادرات شده است که در صورت از دست رفتن بازارهای صادراتی دچار اختلاف در بازپرداخت بدهی‌ها می‌شود. نمودار ۳ روند افزایش صادرات محصولات ترکیه‌ای را در طی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد.

نمودار ۳ (تریدینگ اکونومیکس، ۲۰۱۹)



چنانچه نمودار ۳ نشان می‌دهد، ترکیه در انقلاب‌های بهار عربی به دلیل گروگان بودن اقتصاد خود در دستان بانک‌های آمریکایی و وابسته بودن بازار صادراتی به کشورهای غربی، ناگزیر از همراهی با طرح‌های آمریکا برای تجزیه کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا شد. ترکیه در بحران لیبی دخالت کرد و در یک طرف جنگ نیابتی با نیروهای خلیفه حفتر قرار گرفته است. ارسال تجهیزات پهبادی و سایر جنگ افزارهای نظامی به لیبی در سال ۲۰۲۰ پای این کشور را بیش از گذشته به بحران لیبی کشانید و در آستانه رویارویی با مصر قرار داد.

ترکیه با تصرف شهر عفرین<sup>۹</sup> در شمال سوریه عملاً وارد جنگ با دولت این کشور شده است. تقابل نظامی قابل توجهی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ بین نیروهای ترکیه با سوریه و روسیه ایجاد شد و صدها نفر از نیروهای ترکیه‌ای کشته شدند. وارد

<sup>۹</sup>Tradingeconomics, Turkey Exports, Available At: <https://tradingeconomics.com/turkey/exports>, 6/2/20

<sup>۹</sup>Afrin

شدن ترکیه به درگیری با نیروهای روسی و سوری نشان داد که ترکیه نمی تواند امیدوار به تجزیه سوریه و الحاق بخش هایی از شام به این کشور باشد.

ترکیه در شمال عراق هم از دوره صدام حسین دخالت داشت، اما پس از سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق توسط آمریکا، ایالات متحده پای ترکیه را از شمال عراق برید و به این کشور اجازه دخالت در اقلیم کردستان که همکاری نزدیک اقتصادی، سیاسی و امنیتی با آمریکا و اسرائیل دارد؛ نداد. از آن زمان تاکنون ترکیه با منطقه اقلیم کردستان مانند یک کشور مستقل رفتار کرده و خریدار نفت کرکوک بوده است.

ترکیه ناگزیر از بستن چشمان خود بر روی نقش آمریکا در ایجاد یک کردستان جدید در سوریه به شیوه اقلیم کردستان در عراق شده است. پیتر فورد سغیر پیشین انگلیس در دمشق (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶) معتقد است: نیروهای آمریکایی مناطق مهم سوریه را که از نظر منابع انرژی و غلات غنی است تصرف کرده و به گُردها وعده دادند که ما از شما در مقابل ترکیه و بشار اسد حمایت می کنیم. آمریکا با این کار حس ملی گُردها را برای تاسیس دولت مستقل در این منطقه تحریک کرد. (اُیرنا، ۱۳۹۸)

ترکیه با داشتن ۲۰ میلیون جمعیت کرد بیشترین خطر را از ناحیه جدایی طلبی کردها احساس می کند و منطقی این بود که با تقویت دولت سوریه، مانع از جدایی طلبی کردهای سوریه شده و از یکپارچگی ارضی دمشق حمایت می کرد. اما ترکیه تمام تلاش خود را برای برکناری اسد و تجزیه دولت سوریه به کار برد. اتخاذ این سیاست با گرو گرفتن اقتصاد ترکیه توسط ایالات متحده شدنی بود. دونالد ترامپ در پیامی توییتری نوشت: هماهنگونه که پیشتر گفته ام، صرفاً برای اینکه یادآوری کنم، اگر ترکیه اقدامی کند که از نظر من خارج از خطوط قرمز باشد، اقتصاد ترکیه را به طور کامل ویران و نابود می کنم (همانطور که پیشتر کرده ام!). (اُیرنا، ۱۳۹۸)

همزمان با کاهش حضور نیروهای آمریکایی در شمال سوریه، نیروهای ترکیه افزایش حضور داشته اند. اجازه دادن محدود به حضور بیشتر ارتش ترکیه به معنای خالی شدن پشت "نیروهای دمکراتیک کرد سوریه" (فسد) هَم بود و اعتراض شدید کردها را به دنبال داشت. با این حال کاهش حمایت آمریکا از کردها به معنای رها کردن آنها نبود و هنوز بزرگترین حامی کردها در

۶۰، <https://www.irna.ir/news/83514066>، دیپلمات انگلیسی: آمریکا بدنبال تضعیف و تجزیه سوریه است، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵/27/20

۶۱، <https://www.irna.ir/news/83507491>، ۵/۲۷/۲۰، ترامپ، ترکیه را تهدید به نابودی اقتصادی کرد، خبرگزاری جمهوری اسلامی (اُیرنا)، Syrian Democratic Forces

شمال سوریه و عراق، آمریکا و اسرائیل هستند. این حمایت سینوسی را می‌توان با حمایت آمریکا از کردهای عراق در دهه نود میلادی مقایسه کرد. ایالات متحده در دهه نود به ترکیه اجازه حضور کنترل شده در شمال عراق می‌داد و همزمان در حال محکم کردن روابط خود با کردهای عراق بود و در نهایت کردها را به اندازه‌ای تقویت کرد که ترکیه عملاً از هرگونه حضور در شمال عراق باز ماند.

آمریکا برای حمایت از کردها تنگناهای زیادی مانند انتخاب بین متحدان در پیش دارد، اما در تمام سال‌های گذشته در جهت تقویت واحدهای سیاسی جدید کردی حرکت کرده است. این کشور در دهه ۹۰ میلادی چشم خود را بر حضور مکرر نیروهای ارتش ترکیه در شمال عراق بست، اما پس از سال ۲۰۰۳ به این اشغالگری پایان داده شد و اقلیم کردستان<sup>۳</sup> متولد گردید که حمایت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فناوری سنگین اسرائیل را با خود به همراه داشته است.

واقعیت‌های موجود به ایالات متحده اجازه حرکت سریع برای تجزیه واحدهای سیاسی خاورمیانه که بر مبنای منطق قومی که انگلیس طراحی کرده بود؛ ایجاد شده اند، نمی‌دهد، اما این کشور از جنگ اول خلیج فارس تاکنون سیاست واحدی را برای تغییر مرزها به کار برده است. در برخورد با منطقه کردنشین در عراق و سوریه از منطق واحدی پیروی شده است. مسلح کردن مبارزان کرد و سپس تعمیق ممتد و آرام مشروعیت سیاسی آنها تا حدی که در عراق به تولد منطقه مشخص و پرچم مشخص ختم شد که حتی یک همه‌پرسی<sup>۴</sup> ناکام برای استقلال کامل را هم برگزار کرد. با این حال قدرت اقلیم کردستان در نظام سیاسی فدرال در عراق به رسمیت شناخته شده و تثبیت شده است.

ایالات متحده در سوریه هم سیاست پیشروی آرام و ممتد در حوزه امنیت ملی ترکیه با ایجاد منطقه کردی را در پیش گرفته است. در گام اول کردهای سوریه به گروه‌های همکار و دشمن با ترکیه تبدیل شده اند، اما همین به معنای به رسمیت شناخته شدن گروه‌های مسلح کردی راهی را آغاز می‌کند که در عراق با موفقیت تجربه شده است. فشار اقتصادی آمریکا بر ترکیه مانع از آن شده است تا آنکارا از این سیاست آزموده شده امتناع ورزد و به جای تقابلی که اقتصاد این کشور را فلج می‌کند، ترجیح می‌دهد در انتظار روزهای آینده بماند و به حضور کنترل شده کردهای مسلح رضایت دهد.

این مقاله به دنبال فهم تغییرات پیاپی در سیاست خارجی خاورمیانه ای ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه است که در ابتدا به دنبال صفر کردن مشکلات با همسایگان بود، اما در نهایت با همه همسایگان و قدرت های منطقه ای وارد تنش شد. در ابتدا الگوی ایجاد رشد اقتصادی توسط ایالات متحده با بررسی مثال های تاریخی در اروپا و شرق آسیا بررسی و نشان داده شد که آمریکا به هدایت اعتبارات بین المللی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی همراه به بخشیدن بازار داخلی خود باعث ایجاد رشد اقتصادی در کشورهایی می شود که در مدار سیاست خارجی این کشور قرار دارند. سپس روند اقتصادی ترکیه در دوران پیش از سال ۲۰۰۱ بررسی شد که اقتصادی ضعیف و پرنوسان داشت و با استناد به آمارهای رسمی نشان داده شد که وام و سرمایه گذاری خارجی باعث ایجاد رشد اقتصادی بالا در دو دهه اخیر در این کشور شده و بازار هدف برای خرید کالاهای ساخت ترکیه هم توسط ایالات متحده و متحدان آن تعریف شده است. با ایجاد ۴۶۰ میلیارد دلار بدهی برای ترکیه و وابسته شدن امکان تداوم رشد اقتصادی با وام گیری بیشتر و وجود بازار برای فروش تولیدات ترکیه ای، این کشور مجبور شد تا سیاست خارجی خود را با سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده که به دنبال تجزیه واحدهای سیاسی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است و با منافع ملی ترکیه که اقلیت نیرومند کرد دارد در تضاد است، هماهنگ کند.

پایان